

نگاهی قرآنی به

نقش الگو در تربیت اقتصادی فرزندان*

□ محمد امامی^۱

چکیده

اهمیت نقش تربیت اقتصادی از منظر آموزه‌های قرآن همانند تربیت دینی - فرهنگی و تربیت اجتماعی می‌باشد. تربیت اقتصادی صحیح آثار مادی و معنوی بسیاری در سبک زندگی فردی دارد که پاک شدن روزی، ایجاد اعتماد به نفس، سلامت روان، قبولی اعمال، آرامش و آسودگی خاطر از جمله آن است. این پژوهش، کیفی و مبتنی بر تحلیل محتوا می‌باشد و با مراجعه به منابع اصیل، به نقش الگو در تربیت اقتصادی فرزندان پرداخته است. بر همین اساس ابتدا عوامل اعتقادی و زیربنای فکری و نیز عوامل رفتاری تشکیل دهنده الگوی مناسب و سپس آثار اجتماعی تربیت صحیح اقتصادی بیان شده است. در نتیجه برخورداری از انگیزه معنوی و الهی، پرهیز از غرور و غفلت، اقتصاد و میانه‌روی، رعایت حقوق دیگران، از عوامل رفتاری تربیت صحیح اقتصادی است که آثار سودمندی مانند کسب ثواب و خیر در آخرت، تقرب به جوار الهی، ایجاد جامعه‌ای برخوردار از

رشد و تکامل، حاکمیت صلح و آرامش و کاهش جرایم اقتصادی و اجتماعی را به همراه دارد.

واژگان کلیدی: تربیت اقتصادی، الگوی اقتصادی، سبک زندگی اسلامی، رعایت حقوق دیگران.

مقدمه

از آنجا که اقتصاد در زندگی انسان‌ها نقش بسیار مهمی دارد، در منابع روایی برای فعالیت‌های اقتصادی سالم، آثار مادی و معنوی بسیاری برشمرده شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به پاک شدن رزق و روزی، ایجاد اعتماد به نفس، سلامت روان، قبولی اعمال، آرامش و آسودگی خاطر و... اشاره کرد. از سوی دیگر، فعالیت اقتصادی ناسالم، روزی حرام را در پی دارد که در زندگی اثرات منفی فراوانی بر جا می‌گذارد. در روایات برای لقمه حرام آثار منفی زیادی همچون: سنگدلی و قساوت قلب، پذیرفته نشدن عبادت، شمول لعنت فرشتگان، محرومیت از دیدار و کوثر و شفاعت برشمرده‌اند (ر.ک: حلّی، بی‌تا: ۱۲۷). اما رشد و توسعه اقتصادی جامعه، بالندگی و استقلال اقتصادی آن و در نتیجه رفاه و آسایش مردم بدون برخورداری از الگویی مناسب ناممکن است.

انسان در رفتار فردی و اجتماعی خود همواره از الگوهایی پیروی می‌کند که آن‌ها می‌توانند به صورت مثبت یا منفی در رفتار او تأثیرگذار باشند. اگر الگوی انتخاب‌شده دارای ویژگی‌های مثبت باشد، انسان‌ها نیز همان ویژگی‌ها را در خود ایجاد می‌کنند و چنانچه دارای ویژگی‌های منفی باشد آن‌ها نیز دارای همان صفات منفی می‌گردند. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ (احزاب / ۲۱)؛ قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند. شیخ طوسی در تفسیر این آیه می‌نویسد:

﴿فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ أَيِ اقْتِدَاءِ حَسَنٍ فِي جَمِيعِ مَا يَقُولُهُ وَيَفْعَلُهُ (۱۴۰۹: ۳۲۸/۸).

بنابراین کسی که امید به خدا و روز قیامت دارد و در پرتو آن به دنبال یک زندگی الهی است و پیامبر را الگوی خود قرار می‌دهد، باید از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در گفتار و رفتار پیروی نماید.

در سوره ممتحنه، آیه ۴ نیز حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ و در آیه ۶ مؤمنان^۲ به عنوان الگو معرفی می‌شوند. امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز در موردی که می‌خواست با مردم برخورد نماید بسیاری از پیامبران از جمله ابراهیم، لوط، موسی، هارون، یوسف و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را اسوه خود معرفی می‌کند (صدوق، ۱۳۸۵: ۱/۱۴۸). امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز در روایتی به این مطلب اشاره می‌کند (تمیمی مغربی، ۱۹۶۳: ۲/۱۹۴).

طرح مسئله

آنچه در این جستار مورد بررسی قرار گرفته است الگوی تربیت اقتصادی مناسب برای فرزندان است. مقاله به پاسخ این پرسش پرداخته است که آیا از آموزه‌های قرآنی و حدیثی می‌توان الگویی مناسب برای تربیت اقتصادی فرزندان ارائه نمود؟ الگویی که در این منابع ارائه شده دارای چه عناصری است و چه عواملی در کارایی این الگو تأثیرگذار است؟ رعایت این عوامل چه آثاری در توسعه و تکامل جامعه در پی دارد؟

مفهوم‌شناسی الگو

الگو که معادل عربی آن اسوه است و معادل انگلیسی آن Sample یا Example (Guralnik & Neufeldt, 1986) به معنای چیزی است که برای اقتدا به آن و پیروی از آن گزینش می‌شود. فراهیدی می‌گوید:

«فلان يتأسى بفلان: أي يرى أن له فيه أسوة أو اقتدى به وكان في مثل حاله»؛ (۱۴۰۹: ۳۳۳/۷)؛ فلانی به فلانی تأسی نمود یعنی فلانی را الگوی خود می‌بیند و به او اقتدا می‌نماید و حالات خود را همانند وی می‌نماید.

زیبیدی نیز می‌گوید:

«وقد تأسى به: اتبع فعله واقتدى به» (حسینی واسطی زیبیدی، بی‌تا: ۱۵۸/۱۹)؛ تأسی نمود بدان یعنی انجام آن را دنبال نمود و به او اقتدا نمود.

۱. «لَقَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ»؛ قطعاً برای شما در [پیروی از] ابراهیم و کسانی که با اویند سرمشقی نیکوست.

۲. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَمَن يَتَوَلَّ اللَّهَ فَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَمِيدُ»؛ قطعاً برای شما در [پیروی از] آنان سرمشقی نیکوست [یعنی] برای کسی که به خدا و روز بازپسین امید می‌بندد و هر کس روی برتابد [بداند که] خدا همان بی‌نیاز ستوده [صفات] است.

نقش الگو در زندگی انسان

الگو در زندگی انسان می‌تواند جهت‌دهی زندگی انسان را تعریف نماید. چنانچه انسان شخص مثبتی را به عنوان الگو انتخاب کند، جهت‌گیری زندگی او نیز مثبت می‌شود و چنانچه الگوی او چهره‌ای منفی باشد، نباید انتظار داشت که پیروان او رفتاری سالم داشته باشند. به همین دلیل، قرآن کریم تذکر می‌دهد که الگوی شما پیامبران و یا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است (ر.ک: احزاب / ۲۱؛ ممتحنه / ۴-۶).

مسائل اقتصادی نیز از این قاعده مستثنا نیست و ارائه یک الگوی اقتصادی صحیح در جامعه می‌تواند نقش بسیار مهمی در زمینه تولید، توزیع و مصرف ایفا نماید. اندیشمندان و رهبران باید برای مردم الگویی مناسب معرفی نمایند و مردم نیز مورد مناسبی را برای الگو برگزینند. لذا شناخت الگوی صحیح و مناسب از اهمیت بسیاری برخوردار است.

الگوی مناسب با دیگر اصول اعتقادی و اجتماعی حاکم بر جامعه همسوست، بنابراین نمی‌تواند با اصول آرمانی، پندارها و قوانین حاکم بر آن جامعه تعارض داشته باشد. البته الگوی مناسب نیز به نوبه خود متأثر از عوامل مختلفی است که میزان شایستگی و تأثیرگذاری آن را تعیین می‌کند.

مفهوم‌شناسی تربیت

تربیت مصدر تفعیل از ماده «ربو» به معنای رشد دادن، نمو کردن و زیاد کردن است (جوهری، ۱۴۰۷: ۲۳۵/۶؛ نیز ر.ک: ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۸۳/۲) که در رشد مادی و معنوی به کار می‌رود. به دیگر سخن تربیت همیشه به معنای توسعه و افزایش در مقدار نیست بلکه گاه به معنای توسعه کیفی یعنی خارج کردن شیء از افراط و تفریط به سوی اعتدال و سوق دادن آن به سوی کمال است.

مراد از آن در آموزه‌های تربیتی اسلام، پرورش استعدادها و مادی و معنوی و توجه دادن آن‌ها به سوی اهداف و کمالاتی است که خداوند متعال برای وصول به آن اهداف در وجود آدمی قرار داده است (صانعی، ۱۳۸۰: ۱۲).

۱. جایگاه تربیت در آموزه‌های اسلام

از دیدگاه قرآن کریم، تربیت جایگاه والایی دارد. یکی از صفات خداوند ربّ است که به معنای مربی است و این علاوه بر خالق بودن است. قرآن کریم وقتی در مورد جبران تلاش پدر و مادر برای تربیت انسان سخن می‌گوید، دستور می‌دهد که کاملاً متواضع باشیم. قرآن می‌فرماید: انسان باید در معاشرت و گفتگوی با پدر و مادر، طوری روبه‌رو شود که پدر و مادر تواضع و خضوع او را احساس کنند و بفهمند که او خود را در برابر ایشان خوار می‌دارد و نسبت به ایشان مهر و رحمت دارد همان طور که آن‌ها در تربیت او تلاش نموده‌اند (ر.ک: اسراء/ ۲۴).

افزون بر این، تزکیه که خود نوعی تربیت است، غالباً در کنار تعلیم مطرح شده و در واقع اشاره به این شده که تعلیم با اهمیت فوق‌العاده‌ای که دارد، در عین حال باید در کنار آن تزکیه نیز وجود داشته باشد. هدف از ارسال رسولان نیز تعلیم و تربیت مردم عنوان شده است (ر.ک: جمعه/ ۲).^۱

حضرت علی ع در مورد اهمیت آن می‌فرماید:

«أَيُّهَا النَّاسُ تَوَلَّوْا عَنْ أَنْفُسِكُمْ تَأْدِيبُهَا وَاعْدِلُوا بِهَا عَنْ ضِرَاوَةِ عَادَاتِهَا» (نهج البلاغه، ۱۴۱۲:

حکمت ۳۵۹)؛ به ادب کردن و اصلاح خود پردازید و از عادات ناشایست روی برگردانید.

۱-۱. نقش تربیت در الگوی اقتصادی

بی‌شک تربیت در نحوه فعالیت اقتصادی افراد نقش مهمی دارد و نمی‌توان جایگاه آن را در ارائه الگوی صحیح نادیده گرفت. پیامبر اکرم ص تربیت فرزند را از پرداخت صدقه ثابت روزانه بهتر تلقی نموده، یکی از مهم‌ترین حقوق فرزند بر والدین را تربیت وی برشمرده، می‌فرماید: «أَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يَغْفِرَ لَكُمْ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۳: ۱۴۷/۱۲). امام صادق ع درباره اهمیت تربیت فرزند می‌فرماید: پس از هفت سالگی مواظب فرزندان خود باشید و آن‌ها را تأدیب نمایید (کلینی، ۱۳۸۸: ۴۷/۶).

از این رو شایسته است که نهادهای مؤثر در این مورد و ابعاد تربیتی تأثیرگذار بر الگوی مصرف صحیح مورد بررسی قرار گیرد.

۱. «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ».

۲-۱. نقش نهاد خانواده در تربیت فرزندان

نهاد خانواده مهم‌ترین مرکز آموزش روابط اجتماعی است. به این معنا که انسان به عنوان واحد مؤثر اجتماعی، اساسی‌ترین مفاهیم اجتماعی را از خانواده و در خانواده یاد می‌گیرد. در دوران کودکی انگیزش‌های درونی و ناخودآگاه که از عوامل مهم تعیین‌کننده رفتارهای اجتماعی انسان هستند، شکل می‌گیرند. رفتارهای والدین، واکنش به رفتارهای کودک، نحوه آموزش به کودک، محیط و جو حاکم بر خانواده و عوامل مهم دیگر در دوران کودکی، انگیزش‌های درونی و ناخودآگاه فرد را شکل می‌دهند که در آینده نقشی تعیین‌کننده در رفتارهای اجتماعی از جمله رفتار اقتصادی دارند. اگر در خانواده به مفاهیمی نظیر انگیزه الهی و معنوی، دوری از اسراف، میانه‌روی، رعایت حقوق دیگران و... اهمیت داده شود، کودک به طور ناخودآگاه و در سنین بالاتر آگاهانه به این مفاهیم گرایش پیدا می‌کند.

سطح دانش و آگاهی والدین در فراهم کردن عوامل مثبت و ارائه الگوی رفتاری مناسب برای فرزندان بسیار مؤثر است. جو حاکم بر جامعه نیز بر انتخاب نوع آموزش توسط والدین اثرگذار است؛ برای مثال، در جامعه‌ای که اسراف، تبذیر و تجمل‌گرایی حاکم است محیط خانواده نیز از آن متأثر می‌شود و در نتیجه نقش خانواده در پرورش فرزند کم‌رنگ می‌شود. بدین‌سان واکنش والدین در برابر محیط بر شکل‌گیری شخصیت فرزندان مؤثر است. از دیگر عناصری که به والدین کمک می‌کند بتوانند تهدیدهای موجود در جامعه را خنثی نموده موفق به تربیت فرزندان بر اساس مفاهیم فرهنگ دینی خود گردند، ارائه الگوهای مناسب از جمله در حوزه رفتار اقتصادی برای فرزندان است. از این رو، اسلام به خانواده و نقش آن در مورد تربیت کودک اهمیت زیادی داده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

مرد در خانواده‌اش از کسی که تحت سرپرستی اوست بازخواست می‌شود و زن نیز اداره‌کننده خانه شوهر است و نسبت به کسی که تحت اداره اوست مسئولیت دارد. آگاه باشید که همه نگهبانید و از آنچه تحت سرپرستی شماست بازخواست خواهید شد (محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۶: ۴/۲۲۳).

امام سجاده علیه السلام نیز فرمود:

همانا از کسی که او را اداره می‌کنی بازخواست خواهی شد (ابن شعبه حزانى، ۱۳۶۳: ۴۱۶).

معصومان عليهم السلام تربیت فرزند را یکی از حقوق وی و تکالیفی می‌دانند که بر عهده والدین او قرار داده شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این مورد فرمود:

«حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَأَنْ يُحَسِّنَ أَدَبَهُ» (امینی نجفی، ۱۹۷۷: ۳۱۲/۶):
از حقوق فرزند بر پدر این است که برای وی نام نیک انتخاب نموده و او را به نیکی ادب نماید.

نیز امام سجاد علیه السلام از خداوند می‌خواهد که او را در تربیت فرزندانش توفیق دهد
(الصحيفة السجادية، ۱۴۱۱: دعای ۲۵).

۳-۱. زیربنای فکری الگوی اقتصادی

باورهای انسان در زمینه‌های مختلف بر رفتار انسان و جهت‌گیری‌های فردی و اجتماعی او تأثیرگذارند. این باورها در زمینه رفتارهای اقتصادی و از جمله ارائه الگوی مصرف مناسب، تأثیر به‌سزایی دارند. مجموعه نگرش‌ها و باورهای انسان در زندگی را جهان‌بینی می‌گویند.

اعتقاد مادی و باور به وجود صرفاً جهان مادی و یا به تعبیری ناپاوری به سرای آخرت موجب می‌شود که انسان سود و زیان و لذت و رنج خود را در این جهان منحصر ببیند و در نتیجه سعی کند بیشترین لذت را از پدیده‌های هستی ببرد. در حالی که اعتقاد به سرای آخرت موجب تعمیم مفهوم سود و زیان می‌گردد و لذت و رنج را گسترده‌تر از رنج و لذت مادی برمی‌شمارد. قرآن شریف در این زمینه می‌فرماید: ﴿هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾ (صف / ۱۰): آیا شما را بر تجارتی راه نمایم که شما را از عذابی دردناک می‌رهاند.

از آنجا که تجارت معمولاً برای انسان سودآور است و سوددهی در مفهوم آن نهفته است و لذا مردم در آن رغبت می‌نمایند (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۷۳)، خداوند در اینجا از واژه تجارت استفاده نموده تا به سود موجود در موضوع این آیه اشاره نماید. این در حالی است که آیه درباره جهاد است و در آیه بعد می‌فرماید: ﴿تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ

وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۱۱﴾؛ به خدا و فرستاده او بگروید و در راه خدا با مال و جانتان جهاد کنید این [گذشت و فداکاری] اگر بدانید برای شما بهتر است. بنابراین مفهوم تجارت در آیات مورد نظر از نظر مادی نه تنها دارای سود نیست، بلکه در مورد جهاد است که در آن خسارت مادی و جسمی نیز وجود دارد. لذا سود از نظر آموزه‌های اسلامی مفهومی گسترده دارد که توجه به آن در ارائه الگوی مناسب با جامعه دینی ضروری است. به فرمایش علامه طباطبایی، ایمان و جهاد کالایی است که هزینه آن مال و جان انسان است اما سود آن نجات از عذاب است (طباطبایی، ۱۳۷۲: ۱۹/۲۵۹).

۲. نقش عوامل اعتقادی در ارائه الگوی صحیح مصرف

باورهای دینی به گونه‌های مختلف بر الگوپذیری انسان در زمینه رفتارهای اقتصادی تأثیرگذار است. از این رو، مریبان باید تقویت باورهای فرزندان را در اولویت قرار دهند و برای تقویت آن تلاش نمایند. همچنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تربیت فرزند را جزء وظایف والدین برشمرده است (حرّ عاملی، ۱۴۰۳: ۱۵/۱۲۳). اینک باورهای تأثیرگذار بر رفتار اقتصادی و چگونگی آن بررسی می‌شود.

۱-۲. ایمان به خدا

ایمان از جمله عواملی است که یقیناً بر نوع رفتار اقتصادی افراد تأثیرگذار است. هدف انسان غیر الهی با توجه به باوری که دارد، تأمین نیازهای مادی به هر روش ممکن است در حالی که فردی که به خدا ایمان دارد الگوی خود را از آموزه‌های الهی انتخاب می‌کند و در رفتار و منش خود دستورات دینی را مدّ نظر دارد. از دیدگاه او و به پیروی از دستورات دینی، درآمدی مطلوب است و مصارفی لازم و دارای اولویت است که از دیدگاه انسان غیر مؤمن ممکن است حتی غیر عاقلانه تلقی شود یا مصارفی ممنوع باشد که درک آن برای غیر او ممکن نباشد.

بر اساس آموزه‌های دینی، کسب درآمد از راه‌هایی مانند اخذ ربا، کم‌فروشی و موارد مشابه ممنوع شمرده شده است. همچنین مصارف حرامی همچون نوشیدن شراب

و به کارگیری آلات قمار وجود دارد (ر.ک: مائده/ ۹۰-۹۱) که مایه فساد و تباهی و به زیان فرد و جامعه است (ر.ک: ابن شعبه حزانی، ۱۳۶۳: ۳۵۱-۳۵۲). اما فساد، تنها ضرر جسمانی نیست، بلکه ممکن است آنچه برای روح و روان انسان‌ها زیانبار است، خطرناک‌تر و زیان‌های ناشی از آن، سهمگین‌تر باشد.

در حالی که هدف اصلی انسان غیر مؤمن به خدا، تأمین لذات زودگذر دنیوی است و برای رسیدن به آن ممکن است دست به هر اقدامی بزند که به بیان قرآن: ﴿زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا...﴾ (بقره/ ۲۱۲). از دیدگاه انسان مؤمن کسب درآمد از راه سرقت، غصب، کم‌فروشی، ربا و رشوه حرام است و باید از آن‌ها پرهیز نمود و مصارفی که اسراف، تبذیر و اتلاف مال و امکانات یا تضییع حقوق دیگران را در پی داشته باشد ممنوع است. در آموزه‌های روایی هر گونه هزینه نمودن در راه حرام ممنوع است. امام علی علیه السلام فرمود:

- بخشیدن مال برای بندگی خدا، بزرگ‌ترین نعمت، و دادن آن در راه نافرمانی خداوند، از هر چیز محنت‌بارتر است (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۱۴۳).

- دارایی خویش را در راه گناهان صرف مکن؛ زیرا آنگاه بدون عمل [صالح]، نزد خدا خواهی رفت (همان: ۵۲۵).

تقویت ایمان به خدا و آشنا نمودن فرزندان و جوانان به این امور موجب می‌شود که آن‌ها در انتخاب الگوی اقتصادی مناسب توفیق یابند. ایمان به خدا به گونه‌های مختلف بر رفتار اقتصادی فرد تأثیر می‌گذارد.

۱-۱-۲. ایمان و منافع اخروی

افراد باایمان بر اساس بینش وسیعی که دارند، منافع را فقط در منفعت‌های دنیوی نمی‌بینند بلکه در بسیاری از اعمال، منافع درازمدت و اخروی را در نظر می‌گیرند و با اعتقاد به جهان دیگر، از کمک به هم‌نوعان خود دریغ نمی‌ورزند. قرآن کریم درباره این گروه می‌فرماید: ﴿وَأَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبْرُرَ لِيُؤْتِيَهُمُ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُمُ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾ (فاطر/ ۲۹-۳۰).

افراد مؤمن وابسته به ثروت خود نیستند بلکه آن را در مسیر رضایت الهی و خدمت

به نیازمندان به کار می‌گیرند و از پرداخت حقوق دیگران دریغ نمی‌کنند (ر.ک: ذاریات / ۱۹). قرآن کریم در ضمن آیات ۲۲ تا ۳۵ سوره معارج که به بیان ویژگی‌های افراد مؤمن و شایسته می‌پردازد به این موضوع اشاره کرده، می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ﴾ (معارج / ۲۴). گرچه برخی از مفسران آن را به زکات تفسیر نموده‌اند (طبرسی، ۱۴۱۵: ۱۰/۱۲۴)، بعضی با الهام از روایات، منظور از این حق را چیزی غیر از صدقات واجب (فیض کاشانی، ۱۳۷۶: ۲/۱۳۵۲) یا اعم از واجب و غیر آن (راوندی، ۱۴۰۵: ۱/۲۲۰) برشمرده‌اند. علامه حلی برای اثبات اینکه منظور غیر از زکات واجب است، می‌فرماید که این آیه مکی است در حالی که زکات در مدینه تشریح شد (۱۴۱۴: ۲/۱۵۲). در روایات نیز بر این مطلب تأکید شده است (ر.ک: کلینی، ۱۳۸۸: ۳/۴۹۹؛ صدوق، ۱۴۰۴: ۲/۴۸؛ ابن شعبه حزّانی، ۱۳۶۳: ۵۱۴). امام صادق علیه السلام با استناد به آیه قرآن، آن را مطرح می‌نماید و می‌فرماید: «... خداوند در مال اغنیا، حقوقی غیر از زکات را وضع نموده و فرموده است: ﴿وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ﴾». سپس حضرت به ماهیت آن اشاره نموده و اظهار می‌دارد که «فالحقّ المعلوم من غیر الزکاة» و می‌فرماید این حق چیزی است که انسان به صورت داوطلبانه بر خود واجب می‌کند که به مقدار توان خود روزانه، هفتگی یا ماهانه پرداخت نماید... (کلینی، ۱۳۸۸: ۳/۴۹۸-۴۹۹).

۲-۱-۲. ایمان و مشکلات اقتصادی

مؤمنان در برابر نابسامانی‌های اقتصادی و مشکلات زندگی شکیبایی می‌ورزند. قرآن کریم هنگام اشاره به افراد لایق بشارت می‌دهد: ﴿...الصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمْ﴾ (حج / ۳۵)؛ آنان که در مقابل مشکلاتی که به آن‌ها می‌رسد شکیبایی می‌ورزند. یکی از وظایف مهم مریبان نیز با توجه به نقش الگوی رفتاری که دارند، تبیین و تمرین دادن این دست مفاهیم به نوجوانان است. آن‌ها می‌توانند جلوه‌هایی از مشکلاتی را که رهبران راستین الهی برای رسیدن به اهداف خود تحمل نمودند و به ویژه فشارهای اقتصادی را که برای رسیدن به اهداف خود پشت سر نهادند، برای جوانان به تصویر کشند.

۲-۱-۳. ایمان و تلاش اقتصادی

مؤمن آنچه را دارد از فضل پروردگارش می‌داند نه ناشی از تلاش خود. بدین سان ثروت

خویش را وسیله آزمایش می‌داند و پیوسته در پی استفاده مطلوب از آن است. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَشْكُرْ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ﴾ (نمل / ۴۰)؛ گفت: این از فضل پروردگار من است تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را به جا می‌آورم یا کفران می‌کنم؟! و هر کس شکر کند، به نفع خود شکر می‌کند و هر کس کفران نماید [به زیان خویش نموده است که] پروردگار من، غنی و کریم است.

۴-۱-۲. ایمان و پرهیز از تنبلی

مؤمن پرکار و سخت‌کوش است و امکانات اقتصادی، سرمایه، توانمندی و وقت خویش را با کم‌کاری و تن‌پروری هدر نمی‌دهد. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَأَخْرَجُوا يَظْرُونَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ﴾ (مزمّل / ۲۰)؛ و گروهی دیگر برای به دست آوردن فضل الهی [و کسب روزی] به سفر می‌روند.

۵-۱-۲. ایمان و اعتدال

در عین برخورداری از موقعیت اقتصادی مناسب، در زندگی راه میانه‌روی را در پیش گرفته و از اسراف پرهیز می‌کند و بخل و سخت‌گیری نیز ندارد. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾ (فرقان / ۶۷)؛ و کسانی که هر گاه انفاق کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سخت‌گیری؛ بلکه در میان این دو، حد اعتدالی دارند.

۲-۲. ایمان به مالکیت خدا

کسی که معتقد به مالکیت خداوند نباشد، خود را در چگونگی کسب درآمد و نیز مقدار و چگونگی مصرف کالا و استفاده از امکانات، کاملاً آزاد دانسته، آنچه را در راستای وصول به لذت‌های مادی تشخیص دهد، انجام می‌دهد. در حالی که اعتقاد به مالکیت خداوند، نوع رفتار انسان را تنظیم و کنترل می‌نماید. انسان مؤمن بر این عقیده است که مالکیت او اعتباری و در طول مالکیت خداست؛ بنابراین حق ندارد هر گونه بخواهد، رفتار نماید. اسراف، تبذیر و مصرف بیهوده با اعتقاد به مالکیت خدا همخوانی

ندارد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «المال مال الله يضعه عند الرجل ودائع...»؛ مال از آن خداوند است که آن را امانت نزد آدمی نهاده و به آنان اجازه داده است تا با میانه‌روی بخورند و بیاشامند و در حدّ معتدل بپوشند، مرکبی در حدّ متوسط داشته باشند و با رعایت میانه‌روی، ازدواج نمایند و مازاد آن را به فقیران مؤمن بازگردانند (حرّ عاملی، ۱۴۰۳: ۳۶۶/۸).

۲-۱-۲. ایمان به نبوت

در آموزه‌های قرآنی، انسان مؤمن و الهی‌الگوی خود را پیامبران قرار می‌دهد (ر.ک: احزاب/ ۲۱) و در رفتارهای فردی، اجتماعی و اقتصادی از آنان پیروی می‌کند. قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي» (آل عمران/ ۳۱)؛ اگر خداوند را دوست می‌دارید از من پیروی نمایید. کسانی که به انبیا ایمان دارند و آن‌ها را فرستادگان الهی می‌دانند گفتار آنان را سخن الهی و رفتار آن‌ها را برخاسته از معارف خدا دانسته به آن‌ها اقتدا می‌نمایند. تقویت ایمان به پیامبران در فرزندان، در الگوسازی برای آن‌ها تأثیر به‌سزایی دارد. از این رو، بر انسان است که سیری در گفتار و رفتار پیامبر و جانشینان آن حضرت داشته باشد تا آن‌ها را کاملاً شناخته و همانند آن‌ها رفتار نماید و سپس در مقام تربیت فرزندان و الگوسازی برای آن‌ها، این فرستادگان خدا و نقش آن‌ها را در هدایت بشر به سوی سعادت برجسته نماید.

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

«فَتَأْسَىٰ بِنَبِيِّكَ الْأَطْيَبِ الْأَطْهَرِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَإِنَّ فِيهِ أُسْوَةٌ لِمَنْ تَأْسَىٰ وَعِزٌّ لِمَنْ تَعَزَّىٰ وَأَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ الْمَتَأْسَىٰ بِنَبِيِّهِ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۲: ۵۸/۲، خطبه ۱۶۰)؛ به پیامبر پاک و طاهر اقتدا کنید که او الگوی مناسبی است برای کسانی که به دنبال یافتن الگو هستند و عزت است برای کسانی که به دنبال عزت هستند و بهترین بندگان خدا کسی است که او را الگوی خود قرار دهد.

۲-۲-۲. ایمان به روز حساب

انسان دارای باور به روز حساب در رفتارهای خود توجه نموده، از بسیاری از درآمدها چشم‌پوشی می‌کند و از برخی هزینه‌ها و مصارف پرهیز می‌کند. رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «بَا أبا ذَرٍّ مَنْ لَمْ يَبَالِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَ الْمَالَ لَمْ يَبَالِ اللَّهُ مِنْ أَيْنَ أَدْخَلَهُ النَّارَ» (حرّ عاملی،

۱۴۰۳: ۱۱/۳۷۹؛ آن کس که اهمیت نمی‌دهد که مالی را از کجا و چگونه به دست آورده است، خداوند در قیامت اهمیت نمی‌دهد که چگونه او را وارد آتش نماید.

فرد معتقد با الگوگیری از این رهنمود، از بسیاری از درآمدهای نامشروع پرهیز می‌نماید و نسبت به چگونگی هزینه کردن درآمد خود نیز حساس است. امام سجاد علیه السلام فرمود:

«معیشة أتقوی بها علی جمیع حوائجی وأتوصل بها فی الحیاة إلی آخرتی من غیر أن تترفی فیها فأطغی أو تقتر بها علی فأشقی» (الصحیفة السجادیة، ۱۴۱۱: ۱۴۹؛ نیز، ر.ک: کلینی، ۱۳۸۸: ۲/۵۵۳)؛ خداوند! به من زندگی عنایت کن که در آن تمام احتیاجاتم تأمین شده باشد و به وسیله آن برای تأمین حیات آخرتم تلاش نمایم، بی آنکه در آن مرا به زیاده‌روی مبتلا سازی که طغیان کنم یا اینکه مرا به کمبود و سختی دچار نمایی که در نتیجه به شقاوت مبتلا شوم.

۳. رفتارهای دینی

در اسلام حدود و مقرراتی وجود دارد که باید رفتار مسلمان بر مبنای آن‌ها تنظیم گردد و بدون رعایت آن‌ها، وی از ایمان کامل برخوردار نیست. این حدود همان قوانین الهی حاکم بر رفتار فرد و جامعه اسلامی‌اند. در ارائه الگوی مناسب برای یک جامعه دینی باید حدود و مقررات شرعی در نظر گرفته شوند؛ زیرا انسان‌ها در مقابل تمام اعمال و رفتار خود از جمله در رفتارهای اقتصادی مسئول‌اند و روزی پاسخ‌گوی آن خواهند بود. حضرت امیر مؤمنان علیه السلام درباره این مسئولیت نسبت به استفاده از مواهب این جهان می‌فرماید:

«فی حلالها حساب و فی حرامها عقاب...» (نهج البلاغه، ۱۴۱۲: ۱/۱۳۰)؛ استفاده از نعمت‌های حرام این جهان موجب مجازات و استفاده از حلال آن‌ها نیز موجب مسئولیت است.

آموزش رفتارهای اقتصادی حلال و حرام باید جزء برنامه تربیتی برگرفته از آموزه‌های قرآنی باشد. چنانچه در الگوی پیشرفت اقتصادی حدود و ثغور فعالیت مجاز اقتصادی دیده نشده باشد و آموزش آن‌ها مورد غفلت قرار گیرد، نمی‌توان انتظار داشت

که فرزندان آینده، جامعه‌ای ایمانی تشکیل دهند و با موازین عدالت زندگی نمایند. رفتار عملی مریبان و رعایت موازین شرعی از سوی آن‌ها از دیگر عوامل مؤثر در تربیت فرزندان است. رفتارهای مبتنی بر اندیشه الهی که در شکل‌گیری الگوی مناسب اقتصادی مؤثرند به قرار ذیل می‌باشند:

۳-۱. انگیزه الهی

انگیزه انسان در رفتارهایش باید الهی باشد و در تمام رفتارهای اقتصادی خود، خدا را در نظر داشته باشد. انسان می‌تواند از امکانات اقتصادی استفاده نماید و قصد این را داشته باشد که بتواند وظایف خود را به خوبی انجام دهد. در این صورت تمام رفتارهای او رنگ عبادت به خود می‌گیرد.

شخصی به خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: به خدا قسم ما طالب دنیا هستیم و دوست داریم به ما ثروت داده شود. امام سؤال فرمود: دوست داری با آن چه کنی؟ آن مرد گفت: به خود و خانواده‌ام برسم و صله و صدقه بدهم و حج و عمره انجام دهم. آنگاه امام فرمود: «لیس هذا طلب الدنیا، هذا طلب الآخرة»؛ اینکه دنیاطلبی نیست بلکه عین طلب آخرت است (حز عاملی، ۱۴۰۳: ۱۹/۱۲).

از دیگر سو، استفاده نابه‌جا و غیر اصولی بر خلاف آموزه‌های اسلامی و ممنوع است. برخی از مفسران در مورد آیه شریفه *«وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا»* (اعراف / ۳۱) (بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید) از امام صادق علیه السلام نقل می‌کنند که اسراف یعنی هزینه کردن در غیر راه خدا، هرچند انفاق و کمک به فقرا باشد (مجلسی، ۱۹۸۳: ۱۲۲/۶۲ و ۳۱۴/۷۶). در مورد مفهوم لغوی اسراف نیز گفته شده است که مراد استفاده از چیزی بدون رعایت حدود آن می‌باشد (عسکری، ۱۴۱۲: ۱۱۴). به همین دلیل است که خداوند قوم لوط را به اسراف توصیف نموده است. عیاشی نیز نقل می‌کند که عبدالرحمان بن حجاج در مورد آیه *«وَأَتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تَبْدُرْ بِتَبْدِيرٍ * إِنَّ الْمُبْدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرُبُّهُ كَفُورًا»* (اسراء / ۲۶-۲۷) از امام صادق علیه السلام سؤال کردم، حضرت فرمود: من أنفق شيئاً في غير طاعة الله فهو مبذر ومن أنفق في سبيل الخير فهو مقتصد (عیاشی، بی‌تا: ۲۸۸/۲؛ مجلسی، ۱۹۸۳: ۳۰۲/۷۲).

این تعبیر امام با مفهوم لغوی تبذیر نیز مطابقت دارد؛ زیرا تبذیر در لغت نیز به معنای اتلاف نابه‌جای یک چیز است. ابوهلال عسکری در این مورد می‌گوید:

«الإسراف: تجاوز الحدِّ فی صرف المال، والتبذیر: إتلافه فی غیر موضعه» (۱۴۱۲: ۱۱۴-۱۱۵).

بعضی از آیات قرآن جمع‌آوری ثروت را نکوهش می‌کند؛ مثلاً می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ (توبه / ۳۴)؛ آنان را که طلا و نقره ذخیره می‌کنند و آن را در راه خدا مصرف نمی‌کنند به عذابی دردناک وعده بده. در بعضی از آیات نیز از سود و ثروت نکوهش شده است؛ مثلاً قرآن می‌فرماید: ﴿مَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرَّبُكُمْ عِنْدَنَا نُفَى﴾ (سبأ / ۳۷)؛ هرگز اموال و اولادتان چیزی نیستند که شما را به درگاه ما نزدیک کنند. از طرفی برخی از آیات و روایات، استفاده از مال و ثروت را ترغیب نموده و آن را برای بقای جامعه و تعالی آن لازم می‌شمارد و آن را رحمت (ر.ک: یوسف / ۱۲۱؛ هود / ۹؛ اسراء / ۱۰۰؛ روم / ۳۳ و ۳۶)، حسنة (ر.ک: اعراف / ۱۳۱)، خیر (ر.ک: بقره / ۱۸۰، ۲۱۵، ۲۷۲ و ۲۷۳)، طیبات (ر.ک: مائده / ۴، ۵ و ۸۷؛ اعراف / ۱۵۷) و رزق (ر.ک: بقره / ۶۰؛ یونس / ۵۹؛ رعد / ۲۶) برشمرده است. در روایتی از امام صادق ع نقل شده است که در مورد پول فرمود:

دینار و درهم مهرهای خداوند در زمین هستند که خداوند، آن‌ها را به جهت مصالح خلقش قرار داده و به وسیله آن‌ها امور و خواست‌هایشان را عملی می‌سازد^۱ (محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۶: ۲۸۵/۹).

در نگاهی ابتدایی بین دو دسته از آیات قرآن تعارض احساس می‌گردد اما جمع بین آن‌ها به این صورت ممکن است که اسلام با انگیزه سودجویی و هدف قرار دادن سود مخالف است نه با اصل اکتساب سود و جمع‌آوری مال و این بدان منظور است که انگیزه در شاکله فعالیت اقتصادی انسان تعیین‌کننده است.

در صورتی که در الگوی اقتصادی جامعه اسلامی این اصل مورد توجه باشد، بسیاری از عواملی که در حوزه تولید، توزیع و مصرف موجب نابسامانی است برجسته

۱. «هی خواتیم الله فی أرضه، جعلها الله مصلحة لخلقه وبها تستقیم شؤونهم ومطالبهم».

می‌شود و اقتصاد ملی شکوفا می‌شود. مصرف‌زدگی از جامعه رخت برمی‌بندد، هزینه‌های غیر واقعی زندگی کاهش می‌یابد. در نتیجه شاهد بسیاری از جرایم اقتصادی و اجتماعی مانند تبلیغات فریب‌دهنده غیر واقعی، ترغیب مردم به مصرف کالایی خاص که تأمین‌کننده سود افرادی خاص است، کم‌کاری در ارائه خدمات و... نخواهیم بود.

۲-۳. پرهیز از غرور

در اسلام، الگوی اقتصادی موجب فریب انسان‌ها نشده و آن‌ها لذت‌های زودگذر را که آینده انسان را تباہ می‌کند، رشد و کمال تلقی نمی‌کنند و آن را مقصد نهایی خود قرار نخواهند داد.

قرآن کریم در مورد پدیده‌های مادی این جهان می‌فرماید: ﴿وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ﴾ (آل عمران/ ۱۸۵)؛ و زندگی دنیا جز مایه فریب نیست. یعنی امکانات مادی این جهان عاملی برای فریب انسان است. شیخ طوسی در تفسیر این آیه می‌فرماید: انسان به لذت‌ها و شهوات و امکانات مادی این جهان رو می‌آورد و از آن‌ها برخوردار می‌شود در صورتی که چه بسا آن‌ها موجب هلاکت و مصیبت باشد (۱۴۰۹: ۷۱/۳).

ابوهلال عسکری درباره غرور می‌گوید ایهامی است که موجب می‌شود انسان کاری انجام دهد که به حال او مضر است (۱۴۱۲: ۳۸۳). منشأ غرور، غفلت است که در اثر آن، انسان آنچه را واقعیت ندارد به منزله واقع می‌پندارد و آنچه را به زیان اوست گمان می‌کند که به سود اوست و در پی آن حرکت می‌کند.

از دیدگاه قرآن و احادیث، بهترین حالت انسان حالت توجه به خداست (ر.ک: آل عمران/ ۱۹۱؛ کلینی، ۱۳۸۸: ۱۸۶/۲) که مانع ارتکاب معصیت می‌شود (ر.ک: همان: ۹۱/۲ و ۱۴۵) و بدترین آن‌ها حالت غفلت و فراموشی است (ر.ک: اعراف/ ۷۹). این غفلت در اثر توجه بیش از حد به امور دنیوی و مادی و فراموشی نقش خدا در دادن همه نعمت‌های فردی و فراموشی نقش واسطه‌ای خود به وجود می‌آید. یکی از اصحاب و بستگان حضرت موسی علیه السلام به نام قارون که بر اثر دانش داروسازی و شیمی، مال بسیاری گردآورده بود، مورد اعتراض قرار گرفت که این نعمت‌ها را از خدا بدان، سهم خودت

را هم ببر، اما آن را در راه خدا مصرف کن. او در جواب گفت: ﴿إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي﴾ (قصص / ۷۸)؛ این ثروت را به وسیله دانشی که نزد من است به دست آورده‌ام! قرآن کریم دلیل غفلت وی را در این می‌داند که می‌گوید: خودم به دستش آوردم، هنر خودم بود. این همان خطای بزرگی است که ممکن است همه ما گرفتارش شویم.

راه گریز از غفلت، میانه‌روی در توجه به این دنیا و استفاده از نعمت‌های آن است. در روایات آمده است که انسان باید لباسی را بپوشد که موجب غرور او نباشد و به همین دلیل، انسانی که عازم مکه است باید تمام لباس‌های خود را درآورد و تنها دو جامهٔ احرام بپوشد تا غرور او ریخته شود و مورد مغفرت خداوند قرار گیرد (مجلسی، ۱۹۸۳: ۳۱۲/۷۶).

در آموزه‌های قرآنی بر یاد خدا و توجه به نعمت‌های او و نقش واسطه‌ای خود در زمان فعالیت اقتصادی تأکید شده است. این توجه سبب نجات از انحراف و موجب جلوگیری از سقوط انسان از جایگاه والای انسانی خود می‌شود. قرآن کریم در وصف مؤمنان می‌فرماید: ﴿رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ﴾ (نور / ۳۷)؛ مردانی که نه تجارت و نه دادوستدی آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات به خود مشغول نمی‌دارد و از روزی که دل‌ها و دیده‌ها در آن زیر و رو می‌شود می‌هراسند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

بازار محل فراموشی و غفلت است، پس هر کس در بازار تسیب خداوند بگوید، خداوند برایش هزار حسنه می‌نویسد (متقی هندی، بی‌تا: ۲۸/۴).

آری یاد خداوند از بروز و رشد ناشایستگی‌ها از جمله انحرافات اقتصادی و دنباله‌روی الگوهای گمراه‌کننده و ارتکاب سایر محرمات جلوگیری می‌کند و انسان را به رعایت حدود الهی سوق می‌دهد. آرامش روحی و روانی را در بین شهروندان افزایش می‌دهد و مسلمان که خود را در محضر خدا ببیند، از انجام اعمالی که موجب غرور و غفلت و گمراهی وی شود پرهیز می‌نماید.

پس شایسته است برای فرزندان خود الگویی ارائه نماییم که آن‌ها را به سوی معنویت و یاد خدا ترغیب نماید و از طرح الگوهای دروغین که نتیجه‌ای جز مصرف‌زدگی و وابستگی روزافزون به کشورهای غربی ندارد پرهیز نماییم.

۳-۳. میانه‌روی

میانه‌روی از دیگر حدود شرعی است که باید در ارائه‌الگوی صحیح مورد توجه قرار گیرد و افراد نیز در زندگی روزمره بدان عنایت داشته باشند. خداوند روزی پاک و نعمت‌های خود را برای انسان مباح گردانیده و دستور می‌دهد که از آن استفاده نمایند. اما در عین حال، خروج از حد اعتدال و زیاده‌روی را تجویز نکرده، بلکه از زیاده‌روی نهی نموده، می‌فرماید: «كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (انعام/۱۴۱). در این آیه به انواع نعمت‌های الهی از خوراک و پوشاک، باغ‌ها و مزارع و... اشاره شده و استفاده از آن‌ها برای بشر تجویز شده، اما در عین حال خروج از اعتدال ممنوع گردیده و مرز جواز استفاده از آن‌ها، همان اعتدال است. شیخ طوسی پس از نقل اقوال درباره مفهوم اسراف می‌نویسد:

«والإسراف هو مجاوزة حد الحق وهو إفراط وغلوّ. وضده تقصير وإقتار» (۱۴۰۹: ۲۹۶/۴)؛ اسراف عبارت از تجاوز از حد و مرز حق است که افراط و زیاده‌روی و ضد آن کوتاهی و خست است.

آیه‌ای دیگر نیز ضمن تأکید بر میانه‌روی، از اینکه انسان در هزینه کردن و انفاق بیش از حد، دست خود را باز بگذارد و یا خست پیشه کند، نهی کرده و علت آن را چنین بیان می‌کند که این کار پشیمانی را به دنبال خواهد داشت (اسراء/۲۹). در روایات معصومان نیز مفصلاً به این موضوع اشاره شده است. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«... ولكن المأل مأل الله يضعه عند الرجل ودائع، وجوز لهم أن يأكلوا قصداً ويلبسوا قصداً...» (عیاشی، بی‌تا: ۱۳/۲؛ مجلسی، ۱۹۸۳: ۳۰۳/۷۶-۳۰۴). مأل مال خداوند است که نزد انسان ودیعه نهاده شده و اجازه داده شده در حد اعتدال از آن استفاده نماید، بر اساس اعتدال بخورد و بپوشد و...

روایات فراوان دیگری نیز به این مضمون وجود دارد (ر.ک: مجلسی، ۱۹۸۳: ۲۰۱/۱۵). امام صادق علیه السلام به فقیری که نزد حضرت آمده بود چند درهمی داد و سپس فرمود: «أتق الله ولا تُسرف ولا تقتر ولکن بین ذلك قواماً إن التبذیر من الإسراف، قال الله تعالى: ﴿وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا﴾» (اسراء/۲۶؛ حرز عاملی، ۱۴۰۳: ۲۷/۶).

یعنی تقوای الهی پیشه کن و از افراط و تفریط در امور بپرهیز بلکه راه ثبات و پایدار راه میانی است و مصرف نابه‌جا از موارد اسراف است که خداوند از آن نهی نموده است.

رعایت اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط در تمام امور به ویژه در امور اقتصادی، نه تنها یک ضرورت دینی است، بلکه منشأ فطری دارد و سرشت انسان آن را درک می‌کند. در انحراف از اعتدال، خطر انحطاط و اضمحلال فرد، خانواده و یا جامعه وجود دارد و عقل و فطرت انسان اجتناب از ورود در ورطه سقوط را لازم می‌شمارد (طباطبایی، ۱۳۷۲: ۸۰/۸). از دیگر سو فرزندان و جوانان نگاهشان به بزرگان اعم از رجال سیاسی و علمی و نیز والدین خود و سایر افرادی است که برای آن‌ها الگو تلقی می‌شوند. از این رو، این افراد باید بیش از دیگران به رعایت این اصول اهتمام داشته باشند؛ زیرا همان‌گونه که رفتار صحیح آن‌ها تأثیر مثبت دارد، رفتار ناصحیح آنان نیز در افزایش فرهنگ ضد قرآنی اسراف مؤثر است.

۴-۳. رعایت حقوق دیگران

توجه به رعایت حقوق دیگران از دیگر عناصر لازم در تربیت فرزندان و جوانان است و البته مریدان آن‌ها خود باید در رعایت این اصل قرآنی پیشگام باشند.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿وَأَوْحَيْنَاهُ لِيَوْمِ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا﴾ (انعام / ۱۴۱)؛ حق دیگران از محصولات کشاورزی خود را در همان روز برداشت محصول پردازید.

امیر مؤمنان علیه السلام درباره اهمیت حقوق مالی دیگران می‌فرماید:

«فمن آتاه الله مالاً فليصل به القرابة وليحسن منه الضيافة وليفك به الأسير والعاني وليعط منه الفقير والغارم وليصبر نفسه على الحقوق والنوائب ابتغاء الثواب...» (نهج البلاغه، ۱۴۱۲: ۲۵/۲، خطبه ۱۴۲)؛ هر کس خداوند به او مالی می‌دهد باید به وسیله آن صلّه رحم نماید، میهمانی نیکو برقرار نموده، به وسیله آن اسیری را آزاد نموده و از آن به فقرا و نیازمندان پردازد و برای کسب ثواب، رعایت این حقوق را تحمل نماید.

نیز حضرت ترک حقوق را موجب مبتلا شدن به دروغ‌گویی می‌داند (ابن شعبه حرانی،

۴. انواع حقوق بر اساس منشأ تعیین آن

بر این اساس که آیا اصل ضرورت حق و میزان آن در قوانین شرعی مشخص شده است یا تعیین آن به خود شخص واگذار شده است، دو قسم از حق وجود دارد.

۴-۱. حقوق معین

یکی از انواع حقوق واجب چیزی است که مقدار، حدود و شرایط آن مشخص شده است؛ مانند خمس (ر.ک: انفال / ۴۱) و زکات فطره (ر.ک: اعلیٰ / ۱۴). این همان حقوقی است که بر افرادی که دارای شرایط معین باشند، لازم است. پرداخت این حقوق جزء احکام مسلم اسلام است و نه تنها از لوازم ایمان به خدا و روز جزا، بلکه از لوازم اسلام و برخورداری از عضویت در جامعه اسلامی محسوب می‌گردد. امام صادق علیه السلام با اشاره به این مطلب می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ ﷻكَلَّفَ فِرْضَ لِّلْفُقَرَاءِ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ فَرِيضَةً لَا يَحْمَدُونَ إِلَّا بِأَدَائِهَا وَهِيَ الزَّكَاةُ بِهَا حَقُّنَا دِمَاءَهُمْ وَبِهَا سَمَوْنَا مُسْلِمِينَ» (کلینی، ۱۳۸۸: ۳/۴۹۸-۴۹۹)؛ خداوند در اموال ثروتمندان برای فقرا حقی قرار داده که جز به ادای آن شایسته نخواهند بود. این زکات است که به وسیله پرداخت آن جانشان حرمت پیدا می‌کند و مسلمان نامیده می‌شوند.

۴-۲. حقوق عمومی

به جز حقوق واجبی که بیان شد، حقوق دیگری مانند حق همسایه، فقرا و اقوام نیز بر عهده انسان می‌باشد. قرآن کریم در ضمن آیات ۲۲ تا ۳۵ سوره معارج که به بیان ویژگی‌های افراد مؤمن و شایسته می‌پردازد به این موضوع اشاره کرده، می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ﴾ (معارج / ۲۴)؛ و همانان که در اموالشان حقی مشخص قرار داده‌اند.

گرچه برخی از مفسران آن را به زکات تفسیر نموده‌اند (طبرسی، ۱۴۱۵: ۱۰/۱۲۴)، بعضی با الهام از روایات وارده از معصومان، منظور از این حق را چیزی غیر از صدقات واجب (فیض کاشانی، ۱۳۷۶: ۲/۳۵۲؛ همو، ۱۴۱۰: ۵/۲۲۷؛ مکارم شیرازی، بی‌تا: ۱۷/۸۳) یا اعم از واجب و غیر آن (راوندی، ۱۴۰۵: ۱/۲۲۰) برشمرده‌اند. علامه برای اثبات اینکه منظور غیر از زکات واجب است، می‌فرماید: این آیه مکی است، در حالی که زکات در مدینه تشریح شد (حلی، ۱۴۱۴: ۲/۱۵۲).

۵. انواع حقوق بر اساس ذی‌حق

حق از نظرگاهی دیگر، خواه از حقوق معین و یا عمومی، با توجه به اینکه صاحب حق چه کسی است و رعایت آن بر چه کسی لازم است، دارای اقسامی است که به طور خلاصه به آن اشاره می‌شود.

۱-۵. حق خداوند بر انسان

خداوند به عنوان آفریننده (ر.ک: بقره / ۲۱؛ نساء / ۷۷؛ اعراف / ۱۸۹؛ روم / ۲۰)، پرورش‌دهنده (ر.ک: آل عمران / ۴۹؛ انعام / ۱۳۴) و روزی‌دهنده انسان (ر.ک: بقره / ۱۹۶؛ آل عمران / ۷۳)، حقوقی بر گردن انسان دارد که انسان مؤمن لازم است در ادای آن‌ها کوشا باشد. توجه به این حقوق از اولین نشانه‌های ایمان است و در یک جامعه ایمانی از جایگاهی والا برخوردار است. بنابراین در ارائه الگوی اقتصادی به جوانان، توجه به حفظ و پرداخت این حق یک ضرورت است؛ زیرا در صورت نادیده گرفتن آن، اساس اصلی جامعه که رابطه با منشأ هستی است، خدشه‌دار می‌شود و جریان صحیح امور در جامعه دچار آسیب خواهد گشت. این حق که در متون دینی از آن به حدود الهی تعبیر می‌شود در زمینه‌های مختلف تجلی می‌یابد.

۲-۵. حق متقابل ملت و حاکمیت

هر ملتی بر دولت خود حقوقی دارد و دولت ملزم به حفظ و اعمال آن است. آحاد ملت نیز در مقابل رهبری جامعه وظایفی دارند و رعایت این وظایف از اولین شرایط تشکیل یک جامعه با نظام اداری است. دولت‌ها اساساً به منظور خدمت به مردم و تأمین امنیت در جامعه و رفع نیاز مردم پدید می‌آیند؛ لذا حضرت امیر مؤمنان علیه السلام درباره حقوق خودش بر مردم و برعکس می‌فرماید:

به خاطر اینکه من ولی امر شمایم، خداوند بر شما حقوقی وضع نموده و برای شما نیز حقوقی همانند حق من قرار داده است (نهج البلاغه: ۱۴۱۲: ۱۹۸/۲-۱۹۹).

توجه به این حقوق در ارائه الگوی اقتصادی برای جامعه ضروری است؛ زیرا رعایت این حقوق، عامل پیشگیری از ایجاد ناامنی اجتماعی و اقتصادی است که خود عامل



رشد و توسعه جامعه است. این نیز به نوبه خود موجب نهادینه شدن مردم‌سالاری و تضمین‌کننده بقای تمدن‌هاست. از این رو بر متصدیان امور تربیتی لازم است که هم در صحنه عمل و هم در صحنه آموزش و تربیت، الگوهای تأثیرگذاری را که خود در زمینه رعایت حقوق متقابل، شاخص تلقی می‌شوند، برای افراد جامعه ارائه نمایند. از این طریق می‌توان توسعه فرهنگی، سیاسی و نیز اقتصادی جامعه و شکوفایی آن را شاهد بود.

۶. آثار رعایت حقوق در اسلام

توجه به حقوق دیگران و پرداخت به هنگام آن آثار مثبتی بر جای می‌گذارد که از جهات مختلفی موجب تکامل فرد و جامعه و تضمین‌کننده بقا و استمرار تمدن‌هاست.

۱-۶. افزایش رشد معنوی

موجب افزایش ارتباط با خدا می‌شود و به رشد معنوی انسان کمک می‌کند. قرآن کریم در آیات «إِلَّا الصَّالِينَ* الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ* وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ* لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ»^۱ (معارج/ ۲۲-۲۶)، ادای حقوق دیگران را در کنار ایمان به روز جزا و به پا داشتن نماز، از ویژگی‌های آنان برمی‌شمارد. از دیدگاه روایات اسلامی نیز رعایت حقوق، جزئی از حقیقت ایمان است (صدوق، ۱۳۶۲: ۱۲۵؛ همو، ۱۴۰۴: ۴/۳۶۰؛ کلینی، ۱۳۸۸: ۴/۴۲).

۲-۶. تضعیف رذایل اخلاقی

یکی از عوامل بخل، دوستی دنیا، ترس از فقر و سوء ظن به خداوند است که رعایت حقوق دیگران، خواه حقوق مادی یا معنوی و خواه حقوق مالی یا غیر مالی، ریشه آن‌ها را می‌خشکاند و در نتیجه بخل هم کاهش می‌یابد. از روایتی که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره آیه شریفه «وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۲ (حشر/ ۹) بیان فرمود چنین برداشت می‌شود که به خاطر اینکه قوم لوط از انفاق امتناع می‌کردند، خداوند آن‌ها را به صفت بخل مبتلا نمود (نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ۷/۳۰). از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده که فرمود:

۱. غیر از نمازگزاران؛ همان کسانی که بر نمازشان پایداری می‌کنند و همانان که در اموالشان حقی معلوم است برای سائل و محروم و کسانی که روز جزا را باور دارند.
۲. و کسانی که از حسّت نفس خود مصون مانند، ایشان‌اند که رستگاران‌اند.

انسان سخاوتمند آن کسی است که در راه حق انفاق نماید (حز عاملی، ۱۴۰۳: ۷/۶).

بر این اساس شیخ طوسی در تفسیر آیه می‌فرماید:

کسانی که از بخل خود در ادای حقوق الهی در امانند آن‌ها رستگاران‌اند (طوسی، ۱۴۰۹: ۲۴/۱۰).

همچنین انفاق، موجب خیر در آخرت می‌شود. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (بقره/ ۲۷۴)؛ کسانی که اموال خود را شب و روز و نهان و آشکارا انفاق می‌کنند، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند. مفسران و محدثان در مورد نزول این آیه روایتی از پیامبر ﷺ نقل می‌کنند که در مورد علی عليه السلام نازل شده است (صدوق، ۱۹۸۴: ۶۷/۱؛ همو، ۱۴۰۴: ۲۸۸/۲؛ کوفی، ۱۴۱۰: ۷۳). پس طبیعتاً او که مظهر تقوا و امیر پارسایان است، می‌تواند به عنوان بهترین الگو در امور اقتصادی مطرح گردد.

۳-۶. افزایش سرمایه با انفاق کردن

انفاقات و صدقات با تأثیرگذاری در عالم آفرینش، موجب افزایش سرمایه پرداخت‌کننده می‌گردد. قرآن در این باره می‌فرماید: ﴿مَثَلُ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِئَةٌ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (بقره/ ۲۶۱)؛ مثل [صدقات] کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند همانند دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه‌ای صد دانه باشد و خداوند برای هر کس که بخواهد [آن را] چند برابر می‌کند و خداوند گشایشگر داناست (ر.ک: بقره/ ۲۴۵ و ۲۷۲). این حقیقت در روایات بیان شده است (کلینی، ۱۳۸۸: ۴۲/۴؛ مازندرانی، ۱۴۲۱: ۱۷۸/۱-۱۷۹؛ طباطبایی، ۱۳۷۲: ۳۹۹/۲).

۴-۶. نزدیک شدن دل مؤمنان به یکدیگر

افراد نیازمند و مستحق احساس می‌کنند که مورد توجه دولتمردان، ثروتمندان و افراد متمکن و بانفوذند و در راه حل مشکلات آنان تلاش می‌شود. در نتیجه احساس وجود



شکاف بین توانمند و ناتوان یا دولتمرد و رعیت و یا سایر طبقات جامعه کاهش می‌یابد و رابطه آن‌ها صمیمی می‌شود. از طرفی ثروتمندی که با اعتقاد و با این نگاه که کمک وی به نیازمندان موجب برکت برای او و ذخیرهٔ اخروی است از انجام این کار خرسند است و مستمندان را عامل سعادت برای آیندهٔ خود می‌بیند و آن‌ها را دوست می‌دارد؛ چنان که قرآن می‌فرماید:

کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، سپس در پی آنچه انفاق کرده‌اند، منت و آزاری روا نمی‌دارند، پاداش آنان برایشان نزد پروردگارشان [محفوظ] است و بیمی بر آنان نیست و اندوهگین نمی‌شوند (بقره / ۲۶۲).

۵-۶. کاهش جرایم

رعایت حق موجب می‌شود که در ماندگان از دست زدن به جرایم اجتماعی از قبیل سرقت که در اثر نیاز شدید رخ می‌دهد، پرهیز نمایند. نتیجهٔ آن به نوبهٔ خود افزایش امنیت اجتماعی است. حضرت امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

«حَصَّنَا أَمْوَالَكُم بِالزَّكَاةِ» (حز عاملی، ۱۴۰۳: ۶/۴)؛ به وسیلهٔ دادن زکات، اموال خود را محافظت کنید.

مفسران در تفسیر آیهٔ شریفهٔ «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» (بقره / ۱۹۵) به این نکته اشاره می‌کنند که گرچه این آیه دربارهٔ جهاد نازل شده، ممکن است در مقام ترسیم یک اصل کلی و هشدار جامعه نسبت به پیامدهای آن باشد. این اصل رابطهٔ بین انفاق با برقراری امنیت اجتماعی است (مکارم شیرازی، بی‌تا: ۳۷/۲). ممکن است از این آیه عمومیت رعایت حقوق را نیز برداشت نماییم و انفاق را به عنوان نمونه‌ای از رعایت حقوق بدانیم. امام صادق علیه السلام اثر پرداخت حقوق را بیش از این برمی‌شمارد و می‌فرماید:

«... وَلَوْ أَنَّ النَّاسَ أَدَّوْا زَكَاةَ أَمْوَالِهِمْ مَا بَقِيَ مُسْلِمٌ فَقِيرًا مُحْتَاجًا... وَإِنَّ النَّاسَ مَا افْتَقَرُوا وَلَا احتاجوا وَلَا جاعوا وَلَا عروا إِلَّا بِذُنُوبِ الْأَغْنِيَاءِ» (صدوق، ۱۴۰۴: ۷/۲)؛ اگر مردم زکات اموال خود را می‌پرداختند، هیچ مسلمانی نیازمند نمی‌ماند و به سبب آنچه خداوند تعالی برای او واجب کرده است بی‌نیاز می‌شد و مردم، فقیر، نیازمند، گرسنه و برهنه نشدند، مگر به سبب گناهان ثروتمندان.

۱. و در راه خدا انفاق کنید و خود را با دست خود به هلاکت می‌فکنید.

طبیعی است که اگر برخی از اقشار ملت احساس نمایند که حقوق آنان رعایت نمی‌شود و چنین احساسی داشته باشند که عده‌ای قدرتمند، متمکن و ثروتمند از همه امکانات برخوردارند، ممکن است به خود حق دهند که برای به دست آوردن سهم خود دست به ناهنجاری‌های اجتماعی بزنند. گسترش چنین احساسی به مرور زمان موجب افزایش ناامنی اقتصادی و اجتماعی است و به نوبه خود استحکام تمدن‌ها را کاهش می‌دهد.

۶-۶. رشد و توسعه جامعه

رعایت حقوق، موجب رشد جامعه، توسعه و غنای آن و سیر تکاملی آن می‌شود و اگر همه افراد جامعه حتی فقط حقوق واجب را ادا نمایند، فقر از جامعه رخت برمی‌بندد و رشد و تکامل جای آن را می‌گیرد. امام صادق (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «ولو أن الناس أدوا حقوقهم لكانوا عائشین بخیر» (همان: ۶/۲)؛ اگر مردم حقوقی را که وظیفه آنهاست ادا می‌نمودند، به خوبی می‌توانستند زندگی نمایند.

گرچه معمولاً از «ادوا حقوقهم» پرداخت حقوق مالی برداشت می‌شود، به نظر می‌رسد به ویژه با عنایت به «عائشین بخیر» می‌توان عمومیت رعایت انواع حقوق را برداشت نمود و نتیجه آن را نیز تحقق خیر و خوبی در تمام ابعاد زندگی دانست.

۶-۷. رشد فعالیت اقتصادی

موجب تقویت انگیزه سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی در بین مردم، فراهم کردن امکانات تولیدی و سرمایه‌گذاری و نیز تدوین قوانین مناسب و تأمین امنیت لازم برای سرمایه‌دار می‌شود و سرمایه‌گذاری را که موتور محرکه رشد اقتصادی کشور است افزایش می‌دهد. در این صورت، راه‌ها، مدارس، مساجد و سایر مظاهر پیشرفت و تمدن نیز توسعه می‌یابد که نتیجه مستقیم آن نیز تأمین امنیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بیشتر برای جامعه است. این مهم حاصل نمی‌شود، مگر با تأمین نیاز نیازمندان و رعایت حقوق یکایک افراد جامعه.

نتیجه‌گیری

نقش الگو در تربیت در تمام ابعاد آن و به ویژه در تربیت اقتصادی فرزندان از اهمیت بالایی برخوردار است. در یک جامعه دینی، توانا، پویا و ثروتمند، در کنار سایر عوامل مورد نیاز باید الگوی اقتصادی صحیحی ارائه گردد تا مردم با الهام از آن تربیت شوند و در برنامه‌ریزی در حوزه تولید، توزیع و مصرف مد نظر قرار گیرد. عوامل مختلفی در شکل‌گیری این الگو مؤثر است که از جمله آن‌ها عوامل اعتقادی است. دو محور باورها و رفتارها در ارائه الگوی مناسب نقش‌آفرین است. از این رو در تربیت افراد، سطح آگاهی عمومی، جهان‌بینی و نگرش انسان به جهان و امکانات آن از یک‌سو و الگوی رفتاری آن‌ها از سوی دیگر باید اساس تعلیم و تربیت قرار گیرد. توجه به چند محور از مقررات دینی در ترسیم این الگو ضروری است و نادیده گرفتن آن‌ها می‌تواند موجب فقدان هماهنگی بین الگوی مطرح‌شده و اعتقادات و حقوق حاکم بر جامعه گردد. این محورهای حیاتی عبارت‌اند از: انگیزه الهی، پرهیز از غرور، میانه‌روی در رفتار و رعایت حقوق دیگران که آثار زیادی برای استحکام تمدن انسانی دارد و موجب استمرار آن و رشد و تعالی جامعه، تأمین امنیت و توسعه سیاسی و اقتصادی است. از دیگر سو، بی‌توجهی به هر یک از آن‌ها پیامدهایی همچون کند شدن توسعه و تکامل جامعه را در پی دارد و موجب دوری از رحمت الهی است. در این میان، نقش والدین در تربیت فرزندان از سایر نهادهای متکفل آن بیشتر است و آنان بیش از دیگران در توجه دادن فرزندان به آموزه‌های قرآنی مسئولیت دارند.

کتاب شناسی

۱. نهج البلاغه، شرح محمد عبده، قم، دار الذخائر، ۱۴۱۲ ق.
۲. الصحیفة السجادية للامام زين العابدين، تحقيق محمد باقر ابطحي، قم، مؤسسة الامام المهدي، ۱۴۱۱ ق.
۳. ابن شعبه حراني، حسن بن علي، تحف العقول عن آل الرسول، قم، مؤسسة النشر الاسلامي، ۱۳۶۳ ش.
۴. ابن فارس، احمد، معجم مقاييس اللغة، بي جا، مكتب الاعلام الاسلامي، ۱۴۰۴ ق.
۵. اميني نجفي، عبدالحسين احمد، الغدير في الكتاب والسنة والادب، چاپ چهارم، بيروت، دار الكتاب العربي، ۱۹۷۷ م.
۶. تميمي مغربي، نعمان بن محمد بن منصور، دعائم الاسلام، بي جا، دار المعارف، ۱۹۶۳ م.
۷. جوهری، اسماعيل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربيہ، تحقيق احمد بن عبدالغفور عطار، بيروت، دار العلم للملايين، ۱۴۰۷ ق.
۸. حرّ عاملي، محمد بن حسن، تفصيل وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة، تهران، المكتبة الاسلاميه، ۱۴۰۳ ق.
۹. حسيني واسطی زيدي، سيد محمد مرتضى، تاج العروس من جواهر القاموس، بيروت، دار مكتبة الحياة، بي تا.
۱۰. حلّي، احمد بن فهد، عدة الداعي و نجاح الساعي، تحقيق احمد موحدی قمی، قم، مكتبة وجداني، بي تا.
۱۱. حلّي، حسن بن يوسف بن مطهر، تذكرة الفقهاء، تحقيق مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، قم، مهر، ۱۴۱۴ ق.
۱۲. راغب اصفهانی. ابوالقاسم حسين بن محمد، المفردات في غريب القرآن، قم، دفتر نشر كتاب، ۱۴۰۴ ق.
۱۳. راوندي، قطب الدين سعيد بن هبة الله، فقه القرآن، تحقيق سيد احمد حسيني، قم، مطبعة الولاية، ۱۴۰۵ ق.
۱۴. صانعي، سيد مهدي، پژوهشي در تعليم و تربيت اسلامي، مشهد، سناباد، ۱۳۸۰ ش.
۱۵. صدوق، محمد بن علي بن حسين بن موسى بن بابويه قمی، علل الشرايع، تحقيق سيد محمد صادق بحر العلوم، نجف، المكتبة الحيدريه، ۱۳۸۵ ق.
۱۶. همو، عيون اخبار الرضا عليه السلام، تصحيح حسين اعلمی، بيروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۸۴ م.
۱۷. همو، كتاب الخصال، تصحيح علي اكبر غفاري، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۱۸. همو، من لا يحضره الفقيه، تصحيح علي اكبر غفاري، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
۱۹. طباطبائي، سيد محمد حسين، الميزان في تفسير القرآن، چاپ سوم، بيروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۷۲ ش.
۲۰. طبرسي، فضل بن حسن، مجمع البيان في تفسير القرآن، بيروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ ق.
۲۱. طوسي، محمد بن حسن، التبيان في تفسير القرآن، بي جا، مكتب الاعلام الاسلامي، ۱۴۰۹ ق.
۲۲. عسكري، ابوهلال، الفروق اللغويه، تحقيق مؤسسة النشر الاسلامي، قم، مؤسسة النشر الاسلامي، ۱۴۱۲ ق.
۲۳. عياشي، محمد بن مسعود، تفسير العياشي، تهران، المكتبة العلمية الاسلاميه، بي تا.
۲۴. فراهيدي، خليل بن احمد، كتاب العين، تحقيق مهدي مخزومي، بي جا، مؤسسة الهجره، ۱۴۰۹ ق.
۲۵. فيض كاشاني، محمد محسن بن شاه مرتضى، الاصفى في تفسير القرآن، قم، مكتب الاعلام الاسلامي، ۱۳۷۶ ش.
۲۶. همو، تفسير الصافي، چاپ دوم، قم، مؤسسة الهادي، ۱۴۱۰ ق.

۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، *الكافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ش.
۲۸. کوفی، فرات بن ابراهیم، *تفسیر فرات الکوفی*، تهران، مؤسسه الطبع و النشر، ۱۴۱۰ ق.
۲۹. لیثی واسطی، علی بن محمد، *عیون الحکم و المواعظ و ذخیره المعتظ و الواعظ*، قم، دار الحدیث، ۱۳۷۶ ش.
۳۰. مازندرانی، مولی محمد صالح، *شرح اصول الکافی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ق.
۳۱. متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام الدین، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، بیروت، مؤسسه الرساله، بی تا.
۳۲. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۹۸۳ م.
۳۳. محمدی ری شهری، محمد، *میزان الحکمه*، قم، دار الحدیث، ۱۴۱۶ ق.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر، *الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل*، بی جا، بی تا.
۳۵. نوری طبرسی، میرزا حسین بن محمد، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، تحقیق مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۸ ق.
36. Guralnik, David B. & Victoria Neufeldt, *Webster's New World Dictionary of the American Language*, New York, Prentice Hall Press, 1986.